



اهدای عضو در محکومین به اعدام (قصاص)

پدیدآورنده (ها) : سید علیزاده گنجی، سید جواد؛ نادری، قائم؛ خسروی فر، علی

حقوق :: نشریه مطالعات حقوق :: تابستان ۱۳۹۶ - شماره ۱۲

صفحات : از ۶۱ تا ۶۷

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1261896>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- پیوند اعضا در آیینه فقه و حقوق: چالش‌ها و ضرورت‌ها
- بررسی فقهی و حقوقی قصاص از طریق اهدای عضو
- تحقیقات و نظریات آیات عظام / و صاحب‌نظران / قسمت آخر
- امکان سنجی صدور حکم حکومتی در پیوند اعضاء محکومین به اعدام بدون اجازه محکوم علیه
- تغییر شیوه اعدام در قصاص نفس با رویکرد اهدای عضو
- تأثیر وصیت میت و موافقت ولی برای پیوند عضو
- لزوم استفاده ی محدود از کیفر سالب آزادی بر مبنای فقه اسلامی
- مبانی فقهی و حقوقی پیوند اعضای محکومان به قصاص و حدود پس از اجرای حکم
- تحقیقات و نظریات آیات عظام و صاحب‌نظران / قسمت اول
- مقاله: سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران
- برداشت اعضای پیوندی از مردگان مغزی
- مجازات‌های جایگزین اعدام

عناوین مشابه

- تغییر شیوه اعدام در قصاص نفس با رویکرد اهدای عضو
- امکان سنجی صدور حکم حکومتی در پیوند اعضاء محکومین به اعدام بدون اجازه محکوم علیه
- چالش‌های فقهی قصاص عضو در دو قلوهای به هم چسبیده
- تبیین فقهی ماده ۴۷ آیین نامه اجرای احکام کیفری در برداشت عضو از محکومان به اعدام
- نگرش مردم ساکن در شهر اردبیل نسبت به اهدای عضو در مرگ مغزی
- بررسی امکان سنجی ایجاد مرگ مغزی به عنوان اعدام (با بهره‌گیری از آوره‌های فقه و حقوق اسلامی و پزشکی با هدف اهدای عضو مجرمان)
- محدوده اثباتی بینة در جرائم منجر به قصاص عضو از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی
- اهدای عضو محکومان به اعدام: بایسته‌های تقنینی و ملاحظات حقوق بشری
- بررسی فقهی-حقوقی تبدیل قصاص نفس به دیه در صورت اعدام قاتل با عنوان حدی
- نقش باورهای اخلاقی و نوع دوستی در تبیین نگرش به اهدای عضو با میانجی‌گری عمل به باورهای دینی



فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

سال اول / شماره دوازدهم / تابستان ۱۳۹۶ / صص ۶۱-۶۷ / Vol 1 / No 12 / 2017 / P 61-67

اهدای عضو در محکومین به اعدام (قصاص)

سید جواد سید علیزاده گنجی^۱. قائم نادری^۲. علی خسروی فر^۳

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر، گروه حقوق، قائم شهر، ایران استادیار پایه ۱۳

۲. دانشجوی دکتری جزا و جرم شناسی، دانشگاه ایت.ا.ا. آملی لاریجانی آمل

۳. قاضی دادگستری قوه قضاییه

چکیده

در کشور ما چند جرم وجود دارد که به نظر نگارنده حکم آن اعدام است برخی حکم الهی است که ما نمی‌توانیم آن را تغییر دهیم. بالاترین مقام قانون‌گذاری هم حق تغییر آن را ندارد. و برخی افرادی را به قتل می‌رسانند و خداوند هم تکلیف آن را مشخص کرده است. اگر اولیاء دم رضایت ندهند قاتل باید قصاص شود. برخی دیگر از جرایم که حکم اعدام دارند حکم حکومتی یا قانونگذاری است. در مثل می‌تواند از قانون مبارزه با مواد مخدر یاد کرد. ناگفته نماند که بسیاری از مراجع عظام تقلید نیز بر اعدام این مجرمین فتوا داده‌اند. برخی جرائم هم وجود دارد که حکم اعدام دارد: محاربه، قیام مسلحانه علیه نظام و سایر موارد که در قوانین قابل جستجو است.

در موضوع مطرح شده با توجه به اینکه این قسمت نیز مربوط به موضوع می‌باشد که با پیشرفت علم پزشکی رابطه نزدیک دارد. امروز مقوله پیوند اعضاء در کشور ما روز به روز گسترده‌تر می‌شود. حالا که این فرهنگ در کشور ما روبرو رشد است. حال در اینجا بحث پیوند از افرادی است که از یک طرف حکم اعدام یا قصاص آنان صادر شده است و از طرفی قصد اهدای عضو دارند سوالاتی در این باره مطرح است از جمله اینکه آیا اگر افراد محکوم قصد اهدا داشته باشند ولی اولیا دم چنین قصدی نداشته باشند یا برعکس؟ یا آیا فرد پیوند زنده اگر اطلاعی از اینکه عضوی از یک جانی یا محکوم به وی پیوند می‌خورد نداشته باشد؟ بعداً مطلع شود پس بهتر می‌باشد علاوه بر نظر فرد محکوم به اعدام نظر اولیا دم او نیز که مهم جویا شویم

واژه‌های کلیدی: اهدا، عضو، محکوم، اعدام، (قصاص)

مقدمه

در این پژوهش با استعانت از خداوند و در پناه حضرت ولیعصر (عج) موضوع اهدای اعضای حیاتی افراد مبتلا به مرگ مغزی و افراد محکوم به اعدام مورد بررسی قرار گرفته است. واگذاری اعضای بدن شخص مبتلا به مرگ مغزی در قالب وصیت متوفا و اجازه وی قبل از مرگ میسر می‌باشد و در صورت نبود وصیت و اجازه، با اجازه اولیا و وراث برای ضرورت حفظ حیات مسلمان زنده دیگر مقدور می‌باشد. تمامی ادیان بر این باورند که اهدای عضو یک حرکت خداپسندانه و عشق به هم‌نوع محسوب می‌شود.

در دین مبین اسلام بر این مهم تأکید شده است، در قرآن کریم می‌فرماید:

”هر که نفسی را حیات بخشد مانند آن است که همه مردم را حیات بخشیده است.“ (سوره مائده آیه ۳۲). این موضوع استفتاء گردید، و مراجع اجازه فرموده‌اند و در مجلس شورای اسلامی نیز ماده واحده‌ای تدوین گردیده و تصویب شده است که از لحاظ فقهی و حقوقی منعی برای اهدا و پیوند اعضای حیاتی مبتلایان به مرگ مغزی به افراد نیازمند نیست. در مورد محکومین به اعدام نیز استفتاء گردیده است و بعضی از مراجع اجازه نفرموده‌اند. اما تعدادی از مراجع با توجه به ضرورت حفظ حیات مسلمان زنده دیگر و همچنین فرد محکوم باید بر مبنای قوانین حقوقی و اسلامی به مجازات اعدام برسند، و در اسلام مقرر گردیده که محکوم حین اعدام نباید زجر بکشد و باید سریع به مجازات برسد و در حالی که اعضا حیاتی آنها منابع بزرگ انسانی محسوب می‌شوند و می‌توان از آنها به نحو شایسته استفاده شود و حداقل چند نفر به حیات خویش ادامه دهند و منشا خیر گردند، و با توجه به این موارد پیشنهاد داده می‌شود به جای اشکال مختلف اعدام از اهدا اعضا استفاده شود و اجازه استفاده از اعضا حیاتی آنها داده شود.

بدنه اصلی

به نظر نگارنده با توجه به این که یکی از موضوعاتی که اکثر جوامع با آن درگیره و جامعه ایران نیز از آن مستثنا نیست بحث اهدای عضو در افراد نه عادی جامعه و مجرمین با سایر مجازات‌ها بلکه در افرادی که مجازات‌های سالب حیات مورد بحث می‌باشد علت اینکه این سری افراد جامعه مد نظر است این است این افراد عموماً افراد جانی و تهکار و دارای چهره‌ای مقبول در جامعه نبوده است و این دسته از افراد مجرم چون از نوع شدید جرم را مرتکب شده‌اند و مجازاتی به تناسب سنگین (سلب حیات) در انتظار آنان می‌باشد از یک طرف مرتکب سلب حیات انسانی شده و گناه کبیره مرتکب شده‌اند و از طرفی قصد ثوابی بزرگ و نجات جان انسانی را دارند این دو مقوله متضاد می‌باشند بنابراین پیوند اعضا ثواب صد چندان دارد که اعضاء بدن را به دیگران داد تا آنان سلامت خود را به دست آورده و زندگی کنند. فردی که محکوم به اعدام شده می‌تواند وصیت کند اعضای بدنش پس از اعدام به بیماران نیازمند پیوند زده باید گفت، این اقدام از سه جهت قابل اجراست: ۱- از جانب محکوم به مرگ با طیب خاطر و آزادی کامل انجام شود، ۲- از جنبه علمی و فنی انتقال اعضای فرد اعدام شده به نحوی که قابل استفاده برای فرد زنده باشد ممکن است، ۳- مرگ در نتیجه اجرای حکم حادث شده باشد، نه در نتیجه اهدای عضو، (کشاورز،

۱۳۹۲:۵۴۸۷). حال این فرهنگ در کشور ما رو به رشد است. به نظر این جانب بهتر می‌باشد که از قاتلی که حکم قصاص او صادر شده و اولیاء دم رضایت نمی‌دهند و باید به دار آویخته شود سؤال شود که آیا مایل است اعضاء سالم بدن خود را به سایر بیماران نیازمند عضو اهداء کند یا خیر؟ مثلاً قاتل محکوم به اعدام می‌تواند به دو بیمار کلیوی دیالیزی حیات دوباره بدهد، به اذن الهی. گمان بنده آن است که وقتی قاتل بداند که انسانی را کشته و عقوبت دنیوی او قصاص است و عقوبت اخروی امر دیگر، شاید اعضاء بدن خود را اهدا کند و به چندین نفر حیات دوباره بدهد. چون در آن صورت خداوند رحمان و رحیم در حق او رحمت خواهد کرد و دعای خانواده بیماران بدرقه او می‌شود و از طرفی زجر کشته شدن بوسیله چوبه‌دار را نیز نخواهد داشت. در واقع وقتی پزشکان اعضاء بدن او را که خود اهدا کرده به دیگران پیوند نمایند آنگاه مجرم دیگر به هوش نخواهد آمد. این امر چندین حسن دارد:

- ۱- چندین انسان نیازمند کلیه، کبد، قلب، چشم و ... به زندگی عادی برمی‌گردند.
- ۲- خانواده این بیماران شاید کمک مالی به خانواده مجرم کرده و امکان حیات اقتصادی آنها احیا شود.
- ۳- قاتل قتل کرده باید قصاص شود ولی دیگر زجر نمی‌کشد.
- ۴- در صحنه بین‌المللی بحث وحشیانه بودن چوبه‌دار و امثال ذلک منتفی می‌شود. البته اینکه آیا قاتل حتماً باید با چوبه‌دار قصاص شود یک امر فقهی بوده که تجزیه و تحلیل آن با فقهاء عظام است. حالا شما حساب کنید که در سال در کشور ما چند قاتل قصاص می‌شوند؟ چند قاچاقچی اعدام می‌شوند؟ و موارد دیگر. اگر اینان را جمع زده و تعداد اعضاء قابل پیوند را احصاء نمائیم و این افراد را به اهدای اعضاء بدنشان ترغیب کنیم، به گمان بنده فرهنگ خوبی ساخته خواهد شد. به قطع و یقین، قاتل و قاچاقچی و سایر کسانی که حکم اعدام دارند بسیار علاقه خواهند داشت که بابت جبران بخشی از ستمی که به مردم و جامعه کرده‌اند و به امید رحمت الهی، این کار را انجام دهند. خصوصاً که زجر چوبه‌دار را نیز نخواهند کشید. بنده آنچه را ذکر کردم یک بحث انسانی است. عرض می‌کنم که از نظر فقهی آیا می‌توان چوبه‌دار را حذف کرد؟ این گونه موارد را باید فقهاء جواب دهند، ولی به نظر می‌آید مصلحت انسانی و جامعه و مصلحت بین‌المللی در قانونی و شرعی کردن این موضوع است هر چند در قانون فعلی ذکری از موارد مجازات اعدام و یا قصاص نکرده اند ولی اگر بجای یکی از همین موارد پیوند اعضا بود خیلی بهتر و انسان دوستانه‌تر می‌شد به آن نگریم آنچه مسلم است، این که ما در مورد اهدای عضو از زندانیان محکوم به اعدام با مشکل نبود قانون مواجه نیستیم چرا که قانون اهدای عضو (مصوب ۱۳۷۹) متعلق به همه مردم است و محکومان به اعدام نیز از این قاعده مستثنی نیستند و مشکلی در این میان وجود نخواهد داشت، البته برداشت اعضا همچنان که گفتیم، باید زمانی باشد که از نظر متخصصان، مرگ مغزی یا حالتی که متخصص آن را مرگ بدانند، محقق شده باشد. تا جایی که اطلاع دارم، در کشورهای دیگر از جمله چین همچنین قانونی وجود دارد اما ظاهراً ارتباطی با آزادی اراده و رضایت فرد اعدامی ندارد، اما با توجه به اعتراضات گسترده مجامع حقوق بشر به زودی این کار ممنوع خواهد شد. چرا که رضایت فرد در میان نبوده و به اجبار اعضاء بدن اعدامیان برداشت می‌شود، (کشاورز، ۱۳۹۲:۵۴۸۷).

البته شاید در این موضوع حذف اعدام که از نظر برخی فقها و مراجع اشکال شرعی داشته باشد اما به نظر بنده قانونگذار ما می‌بایست با دیدی وسیع‌تر به این موضوع می‌پرداخت و امید است در آینده مراجع عظام بخصوص مقام معظم رهبری نیز این راه خیر و ثواب را هموار کنند حال فارغ از مباحث فوق اگر بخواهیم از نظر منطقی به این موضوع بنگریم آیا فردی که حکم اعدام و یا سلب حیات وی صادر شده است مجازات وی اجرا شود با محکومی که بعد از پیوند می‌میرد چه تفاوتی هست مگر قانونگذار ما در عمل و از نظر عینی هدفی به جز سلب حیات وی دنبال می‌کند که بعضی‌ها مخالف آن هستند. اما اکثر مراجع با پیوند اعضا در افراد متعارف و عادی تحت شرایط خاص موافقت از جمله:

- پیوند قلب، یا کلیه، یا اعضای دیگر جایز است، خواه آن عضو از انسان زنده‌ای گرفته شده باشد یا از میت و خواه آن میت، میت مسلمان باشد یا غیر مسلمان، ولی در صورتی می‌توان آن عضو را از بدن «میت مسلمان» قطع کرد و به بدن دیگری پیوند زد که حفظ جان آن مسلمان موقوف بر این پیوند باشد، همچنین اگر حفظ عضو مهمی مانند چشم موقوف بر این کار باشد و در هر صورت احتیاط آن است که قطع کننده عضو میت مسلمان، دیه قطع عضو را مطابق آنچه در کتاب‌های فقهی مفصل آمده است، بپردازد. (آیت مکارم شیرازی در مسأله ۲۴۴۴)

پرسش: ۱- آیا در مواردی که اعدام برای قصاص از قتل صورت می‌پذیرد می‌توان با توافق خانواده شاکی و فرد اعدامی، اهداء اعضا حیاتی صورت پذیرد؟

۲- در مواردی که اعدام به دلیلی غیر از قصاص صورت می‌پذیرد آیا می‌توان با توافق محکوم و قاضی به جای اعدام، فرد از طریق اهداء اعضای حیاتی معدوم شود؟ (نظر مراجع تقلید آیت الله مکارم شیرازی و دیگران...)

نام مرجع	پاسخ استفتاء
آیت الله مکارم شیرازی	آبا رضایت بستگان و در صورت ضرورت، بعد از اعدام مانعی ندارد. ۲. اهدای عضو در قصاص و اعدام جایز نیست.
آیت الله شبیری زنجانی	اجازه این امر به عهده حاکم شرع است. وی می‌تواند با در نظر گرفتن مصلحت جامعه و مصلحت اولیای دم و مصلحت خانواده فرد اعدامی از این راه مبادرت به اعدام کند. بنابراین حکم در هر مورد ممکن است با مورد دیگر متفاوت باشد.
آیت الله موسوی اردبیلی	در مورد قصاص در فرض توافق شاکی و فرد اعدامی مانعی ندارد و در غیر قصاص نیز در صورتی که نحوه خاصی برای اعدام در شرع تعیین نشده باشد اعدام از طریق اهداء اعضا با توافق فرد اعدامی و حاکم شرع مانعی ندارد.
آیت الله صانعی	اگر درباب قصاص باشد؛ ولی دم حق دارد قاتل را بکشد ولی نمی‌تواند او را به نحوی بکشد که اذیت شود، پس در چنین جایی ولی دم می‌گوید آیا حاضر هستی بیهوش کنیم و مثلاً قلب تو را برداریم، اگر گفت: آری، مانعی ندارد ولی اگر گفت: نه، چنین حقی را ولی دم ندارد، چون اولاً قلب و عضو او مال خودش است و ولی دم به بیشتر از گرفتن جان حق ندارد و ثانیاً اگر ادعا می‌کند اذیت می‌شود ولو با بیهوشی با فرض ادعاهم نمی‌توان او را چنین کشت. و اگر در باب

<p>حدود باشد، اگر نوع قتل خصوصیت دارد و جزا معین شده مثل ضرب به سیف مثلا نمی توان چنین کاری کرد ولی اگر اصل کشتن به نوع آن معین نشده در این جا محکمه با رضایت او چنین کاری را دارد و اما بدون رضایت او چنین قتلی را ندارد چون محکمه فقط به خونش حق دارد.</p>	
<p>۱- در صورتی که فرد محتاج فعلا موجود باشد وزنده ماندن ایشان موقوف بر عضو باشد با توافق آنها بلکه بدون توافق شاکی مانعی ندارد. ۲- مورد مانند سابق است.</p>	<p>آیت الله سید سعید حکیم</p>

همچنین نظر بعضی از مراجع

ضمائم:

پاسخ مراجع عظام تقلید نسبت به این سؤال، چنین است:

حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مد ظله العالی:

در جواب سوال ۱ و ۲ جایز نیست.

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی مد ظله العالی:

۱. در صورت وصیت میت مانعی ندارد و در غیر این صورت باید با صلاحدید حاکم شرع (ولی فقیه) باشد.

۲. جائز نیست و در برخی از موارد با نظر حاکم شرع باید انجام بگیرد. (سایت اسلام کوئست)

در پاسخ به سوالات مطروحه به نظر نگارنده از جمله این که آیا در اهدا عضو رضایت خود محکوم شرط است یا رضایت ولی دم وی نیز شرط است باید بگوییم هر فردی اجازه و اختیار جسم و بدن خود را داشته و دارد و این حق تا پایان عمر وی نیز وجود دارد و صادر شدن (نه اجرا) حکم اعدام و یا قصاص مانع این حق قانونی نبوده و نیست و اولیا دم محکوم نیز به مراتب از چنین حقی برخوردار نیست و نمی تواند به بهانه اینکه ولی دم یا ورثه است مانع تصمیم محکوم به پیوند اعضا شوند حق ولی دم بر محکوم یا مرده بعد از فوت است و در صورتی این حق وجود دارد که قبل از فوت متوفا این حق را نبخشیده باشد اما بعضی از مراجع عظام نظری مخالف بر این دارند از جمله:

- هرگاه خود میت در حال حیات اجازه داده باشد که اعضای او را برای پیوند در اختیار دیگران بگذارند یا اولیاء میت بعد از وفات او اجازه دهند، حکم دیه و سایر احکام تغییر نمی کند و احتیاط آن است که دیه را در هر حال بپردازند. (آیت ا... مکارم شیرازی که در رساله خود در مسأله ۲۴۴۵).

آیا داشتن " کارت اهدا عضو " برای اهدای اعضاء پس از مرگ کفایت می کند؟ و اگر خیر پس چه لزومی به داشتن کارت اهدای عضو بود؟

بسیار مهم است که نزدیکان نیز در جریان این امر خداپسندانه قرار گیرند تا در زمان فوت فرد در خصوص اهدای عضو غافلگیر نشوند و آنرا مصیبتی افزون بر از دست دادن عزیز خود ندانند چرا که، بنا بر قانون جمهوری اسلامی ایران و اکثریت کشورهای جهان برای اهدای عضو رضایت اولیای دم ضروری می‌باشد و حتی علی‌رغم داشتن کارت اهدای عضو در صورت عدم رضایت اولیای دم اهدای عضو صورت نخواهد گرفت. کارت اهدای عضو نشان دهنده آرزوی قلبی فرد در مورد اهدای اعضای بدن خویش می‌باشد و همین امر می‌تواند با نشان دادن خواسته فرد به اولیای دمش تصمیم‌گیری را برای اهدای عضو به آنان نشان دهد. (سایت پزشکان بدون مرز)

سوال دیگری که ممکن است مطرح شود این است که آیا اهدای عضو یک قاتل یا مفسد به فرد دیگر به شرط رضایت خودش منع شرعی یا پیامد اخلاقی ندارد؟ برخی حقوقدانان چنین اعتقادی ندارند اما بدیهی است که دریافت کننده اهدای عضو این حق را دارد که بداند عضو چه کسی گیرد. چه بسا افرادی باشند که دلشان نخواهد قلب، کلیه، چشم یا... فردی که مرتکب قتل یا هر جرم دیگری شده را دریافت نمایند. البته صرف عمل اهدای عضو برای نجات جان یک انسان بیمار که در آستانه مرگ قرار دارد مصداق این آیه الهی است که هر کس جان یک نفر را نجات دهد انگار جان تمامی انسان‌ها را نجات داده است. (کشاورز) نظر نگارنده (قائم نادری) نیز این است که اهدا عضو به از بدن فرد محکوم به سلب حیات به بدن فرد دیگر فاقد هرگونه مشکلی می‌باشد دلیل آن نیز یک دلیل عقلی می‌باشد که نجات جان یک یا چند انسان بر هر چیزی مقدم است و خاطی نیز حاضر است برای جبران گناهان گذشته خود حداقل کاری که بتواند انجام دهد اهدا عضو خود به یک یا چند نفر و به مراتب نجات چند سرپرست خانواده است به نظر بنده آثار اهدای عضو در تمامی سطوح از جمله مادی که شاید از این طریق خانواده محکوم از فشار اقتصادی و مالی که بعد از، از دنیا رفتن محکوم نجات پیدا می‌کنند یا از جنبه معنوی که با اهدا عضو یا اعضای فردی که قرار است اعدام شود می‌تواند ثواب اخروی برای خود کسب کند

مسائل زیادی در این مورد پیش می‌آید که ذهن هر نگارنده‌ای را درگیر خود می‌کند و آن این است اگر فرد محکوم به علت قتل محکوم شده باشد و بخواد اهدای عضو کند ولی اولیای دم مقتول اجازه اهدای عضو ندهند و با آن مخالف باشند رضایت و اجازه محکوم و خانواده وی ملاک است یا ولی دم مقتول به نظر می‌آید مستند به قوانین مدون و همچنین شرع مقدس چیزی به نام پیوند عضو وجود ندارد که ما بخواهیم از آن به عنوان مجازات جایگزین استفاده کنیم با این اوصاف رضایت اولیا دم مقتول ارجح‌تر است و قوانین فعلی نیز در این مورد مسکوت است و امید است با قانون‌گذارهای به روز راه اهدای عضو به عنوان اهدای عضو به عنوان مجازات سالب حیات هموار کند.

نتیجه گیری:

در پایان باید گفت که اهدای عضو در محکومین به اعدام و قصاص هیچ‌گونه مشکلی از نظر قانون و اکثر مراجع در ایران و حتی بسیاری از مراجع غیر شیعی وجود ندارد هرچند ایراداتی هم به آن وارد شده است اما تنها چیزی که بر ارضایت و هدف قانونگذاری مدنظرمان هست حفظ جان یک انسان یا چند انسان است حالا فرقی نمی‌کند که این عضو مال چه فردی است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. آیت الله العظمی صافی گلپایگانی؛ توضیح المسائل، پیوند اعضا، سایت اسلام کوئست
۲. آیت الله سید سعید حکیم؛ توضیح المسائل، پیوند اعضا، سایت اسلام کوئست
۳. آیت الله شبیری زنجانی؛ توضیح المسائل، پیوند اعضا، سایت اسلام کوئست
۴. آیت الله صانعی؛ توضیح المسائل، پیوند اعضا، سایت اسلام کوئست
۵. آیت الله مکارم شیرازی؛ توضیح المسائل، مسائل ۲۴۴۴-۲۴۴۵
۶. آیت الله موسوی اردبیلی؛ توضیح المسائل، پیوند اعضا
۷. آیت الله نوری همدانی؛ توضیح المسائل، پیوند اعضا،
۸. سایت پزشکان بدون مرز؛ پیوند اعضا در جرایم محکومان به سلب حیات
۹. کشاورز، بهمن. ۱۳۹۲، صفحه حقوقی قضایی، روزنامه ایران شماره ۵۴۸۷

